

یک بام و دو هوای وهابیت



یک بام و دو هوای وهابیت

نوشتار حاضر با هدف ارائه تصویری مشخص از تفکر پیروان سلفیه نسبت به قیام بر ضد حاکمان، حاصل ارائه مقاله نگارنده در همایش «اسلام و سکولاریسم» است که توسط کانون اندیشه جوان در آذرماه ۱۳۹۰ در دانشگاه تهران برگزار گردید. در این نوشتار ابتدا تعریفی از مفهوم سلفیه و دوره‌های تاریخی آن ارائه شده است سپس ریشه‌های اعتقادی و سیاسی رفتار علمای سلفی در قبال قیام‌های مردمی در کشورهای عرب در سال ۱۴۳۲ ق بررسی گردیده است.

تحلیل رفتار علمای سلفی در انقلاب‌های جهان عرب (۱۴۳۲ق)

نوشتار حاضر با هدف ارائه تصویری مشخص از تفکر پیروان سلفیه نسبت به قیام بر ضد حاکمان، حاصل ارائه مقاله نگارنده در همایش «اسلام و سکولاریسم» است که توسط کانون اندیشه جوان در آذرماه ۱۳۹۰ در دانشگاه تهران برگزار گردید. در این نوشتار ابتدا تعریفی از مفهوم سلفیه و دوره‌های تاریخی آن ارائه شده است سپس ریشه‌های اعتقادی و سیاسی رفتار علمای سلفی در قبال قیام‌های مردمی در کشورهای عرب در سال ۱۴۳۲ ق بررسی گردیده است.

مفهوم سلفیه و دوره‌های تاریخی آن

سلفیه در لغت منسوب به سلف است و سلف (در مقابل خلف) به معنای پیشین و قبلی و نیز جد و نیاست. در اصطلاح، واژه «سلفیه» به مشرب‌ی گفته می‌شود که طرز فکر و عمل سه نسل صحابه، تابعان و تابعان آنها را حجت شرعی برای فهم دین و زندگی در عصر حاضر قلمداد می‌کند. معتقدان به این موضوع اعتقاد خود را به روایتی مستند می‌کنند که در آن پیامبر اکرم (ص) بهترین دوران‌ها (قرون) را دوران خویش و دو نسل پس از خود دانسته‌اند. شکل‌گیری این اعتقاد در سه دوره تاریخی روی داد. دوره اول یا دوران متقدم از اواخر سده سوم هجری قمری آغاز شد و بیشتر در میان پیروان احمد بن حنبل خود را نشان داد. به گمان آنها تمامی آرا و معتقداتشان درباره مسئله توحید (از جمله احکام قبور مسلمانان، و آیات مربوط به تأویل و تشبیه) از امام احمد بن حنبل است؛ موضوعی که نزد برخی از فضلاء مذهب حنبلی پذیرفته نیست. دوره دوم یا دوران میانه با ظهور دو فقیه به نام‌های ابن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸ق) و شاگردش ابن قیم الجوزی (۶۹۱-۷۵۱ق) آغاز شد. ابن تیمیه (مانند پدرش) از علمای حنبلی بود، هرچند که به تبعیت از مذهب فقهی احمد بن حنبل معتقد نبود. این افراد همراه حافظ ذهبی (۶۷۳-۷۴۸ق) و ابن کثیر (۷۰۱-۷۷۴ق) و ابن رجب (۷۹۵-۷۹۶ق) اثرگذارترین شخصیت‌ها بر حیات معاصر سلفیه بوده‌اند که به طور مشخص با ظهور محمد بن عبدالوهاب [۱] (۱۱۱۵-۱۲۰۶ق) در حجاز، دوره سوم سلفیه، شروع می‌شود.

به طور فشرده برخی از نکات مهم درباره سلفیه عبارت‌اند از:

۱ دوره میانی سهم مهمی در تکوین جهت‌گیری اعتقادی و سیاسی سلفیه داشته است، به

گونه‌ای که آثار ابن تیمیه، به‌ویژه کتاب «منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه و القدریه» او هم‌اینک از مراجع مهم دروس آموزش عقاید سلفی است که موضع آنها درباره شیعه، صوفیه، مذاهب فقهی اهل سنت و جریان‌های سیاسی اجتماعی معاصر را شکل می‌دهد.

2 چنان‌که گفته شد، مذهب حنبلی خاستگاه سلفیه است. با این‌حال سلفی‌ها معتقدند که عمل به کتاب و سنت باید بر پایه فهم سلف (صحابه و دو نسل تابعان و نه یکی از مذاهب فقهی چهارگانه) باشد و چنین استدلال می‌کنند که آموزش کتاب و سنت آسان‌تر از آموزش آرا و اجتهادات متفاوت مذاهب گوناگون است. اما مشکل اصلی چنین برداشتی آن است که بسیاری از صحابه و تابعان پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) دیدگاه‌هایی متفاوت و گاه متضاد با هم داشته‌اند و حتی در مقابل یکدیگر شمشیر کشیده و با هم جنگیده‌اند و عمل خود را با عنوان «اجتهاد» توجیه دینی کرده‌اند.

مشایخ سلفیه در دوران معاصر

مشایخ اصلی سلفیه در روزگار حاضر بیشتر در سه حوزه اصلی شبه‌جزیره عربستان، شمال آفریقا و حوزه شام فعالیت کرده‌اند. بارزترین مشایخ آنها در شبه‌جزیره عربستان عبدالعزیز بن باز و در حوزه شام محمد ناصرالدین آل‌بانی (۱۳۳۳-۱۴۲۰ق) بوده‌اند که این دو مهم‌ترین استادان سلفی‌های شمال آفریقا همچون ابی اسحاق الحونینی (آلبانی)، محمد حسان (بن باز و بن جبرین)، محمد حسین یعقوب (بن باز)، عبدالله شاکر الجنیدی، رئیس جماعت انصار سنت مصر (بن باز و محمد بن عثیمین) هستند. می‌توان گفت سلفیه در شمال آفریقا و به‌ویژه مصر پیوندی عمیق با سلفیه در حجاز و شام دارد؛ زیرا بسیاری از مشایخ آن پرورش‌یافته مکاتب سلفی حجاز و شام‌اند و حتی برخی از سلفی‌های مصری، مانند عبدالرزاق بن عقیفی بن عطیه، در عین حالی که از سران جماعت انصار محمدی مصرند، عضو هیئت کبار علمای عربستان سعودی نیز هستند. این نکات ظریف باید در مطالعات راهبردی سلفیه در دوران معاصر لحاظ شوند.

همچنین باید توجه کرد که مشایخ اصلی سلفی، همانند عبدالعزیز بن باز در عربستان و محمد ناصرالدین آل‌بانی (۱۳۳۳-۱۴۲۰ق) در اردن، معمولاً شاگردانی با ملیت‌هایی متفاوت داشته‌اند (برای نمونه نگاه کنید به جدول ۱).

جدول ۱- برخی از شاگردان آل‌بانی

ملیت

اسامی شاگردان

مصری

سمیر بن امین الزهیری، ابوالیسر احمد الخشاب، عبدالرحمن عبدالخالق، ابواسحاق الحونینی، سامی المصری، صالح طه، مصطفی اسماعیل المصری، حسن أبو الأشبال

سوری

خیرالدین وانلی، محمد عید عباسی، عبدالرحمن عبدالصمد، زهیر الشاویش، عبدالرحمن
آلبانی، علی خشان، نبیل الکیال، محمد جمیل زینو، محمد لطفی الصباغ، محمد نسیب
الرفاعی، حسین خالد عشیش، رضا نعسان معطی، محمد شامیه، محمود مهدی استانبولی،
محمد ناصر ترمائینی، محمود عطیه، عدنان عرعور،

اردنی

عمر سلیمان الاشقر، محمد ابراهیم شقره، علی بن حسن الحلبی، سلیم عبدالهلالی،
مشهور حسن آل سلمان، حسین عوده العوایشه، محمد موسی آل نصر، احمد السید
الخشاب، باسم فیصل جوابره، عزت خضر، محمد الخطیب، محمد رأفت، ولید نبیه سیف النر.

عراقی

حمدی عبدالمجید السلفی، خلیل العراقی الحیانی.

عربستانی

مصطفی الزربول، ربیع بن هادی المدخلی، عاصم القریوتی، عبدالله صالح العبیلان،
عبدالمحسن العباد، فالح الحربی.

یمنی

مقبل بن هادی الوادعی

پاکستانی

احسان الہی ظہیر

منبع: اسود، سلفیہ مطالعہای فراتر از قالب‌های ملی را می‌طلبید، ۲۰۰۸، صص ۲۵۸-۲۵۹

دسته‌بندی سلفیان

پیروان سلفیه را می‌توان به اشکال گوناگونی تقسیم‌بندی کرد؛ برای مثال در یک تقسیم‌بندی سلفیه به اصحاب نقل در برابر اصحاب عقل تقسیم می‌شوند. از پیروان گروه اول می‌توان به محمد حامد الفقی [2] (۱۳۱۰-۱۳۷۸ق) اشاره کرد که کتاب «اثر الدعوة الوهابیه فی الاصلاح الدینی» را در دفاع از محمد بن عبدالوهاب نگاشته است. از پیروان اصحاب عقل نیز می‌توان به محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۲۳ق)، محمود شلتوت (۱۳۱۰-۱۳۸۳ق) و محمد غزالی (۱۳۳۴ - ۱۴۱۶ق) اشاره کرد که به جای نگاهی بسته به اسلام، راه و روشی تقریبی پیش گرفتند. معمولاً دسته اول مخالفان تقریب مذاهب اسلامی‌اند برخلاف دسته دوم که حضوری چشمگیر در این عرصه داشته‌اند. نمونه بارزی از اختلافات میان این دو دسته را می‌توان در اختلاف‌نظرشان درباره احادیث سحر پیامبر(ص) [3] یافت. محمد عبده به صراحت اعلام می‌کند که هرچند این روایات در کتاب الصحيح بخاری (۱۹۴-۲۵۶ق) آمده‌اند، به دلیل مغایرتشان با قرآن مردودند. برخلاف اصحاب نقل که همه روایات کتاب صحیح بخاری، از جمله روایات سحرالنبی را می‌پذیرند، چنان که شیخ عبدالله الموصلی در پایگاه رسمی اینترنتی‌اش بر صحت روایات یادشده تأکید کرده است.

همچنین در تقسیم‌بندی دیگری سلفی‌ها به دو دسته سلفی‌های سنتی یا علمی، و سلفی‌های جهادی تقسیم می‌شوند. علمای شورای افتای عربستان سعودی مثال بارز سلفی‌های سنتی‌اند. که خروج بر حاکم مسلمان هرچند ظالم و فاسق را حرام می‌دانند، اما سلفی‌های جهادی به دنبال تغییر نظام حکومت و برپایی خلافت اسلامی‌اند که نمونه بارز آن القاعده با مثال عملی طالبان است. آثاری چون «الفریضه الغائبه» اثر محمد عبدالسلام فرج و مجموعه آثار عمر عبدالرحمن روحانی، سلفی مصری، [4] مانند «کلمه الحق» و «أصناف الحکام و أحكامهم»، منابع شکل‌دهنده سلفی‌های جهادی مصر به‌ویژه «تنظیم‌الجهد» هستند که در پی کسب قدرت سیاسی بوده‌اند.

مواضع سیاسی سلفیه سنتی

رویکرد غالب سلفیه رویکرد سنتی و نقل‌گراست و آنها براساس آموزه‌های مکتب سلفیه از قیام علیه حاکمان ظالم عرب پرهیز کرده‌اند، چنان‌که نشریه سلفی «الفرقان» (کویت) در بحبوحه قیام‌های مردمی جهان عرب علیه ظلم و فساد حاکمانشان «روش و شیوة مسلمین در برابر حاکم مسلمان را فرمانبرداری» دانسته و این حکم را به روایاتی از صحیحین همچون این روایت مستند کرده است: «شما را به تقوای الهی و شنیدن و اطاعت کامل از حاکم هر چند که برده‌ای باشد، وصیت می‌کنم. شما پس از من با اختلافات بسیاری مواجه خواهید شد. پس بر شما باد تمسک به سنت من و سنت خلفای راشد و هدایت‌یافته پس از من و بدان چنگ زنید و حذر کنید از امور محدث در دین که هر بدعتی گمراهی است».

آنها از این روایت چنین استفاده می‌کنند که تظاهرات علیه حاکمان عرب بدعت است.

این روایت که «اطاعت من اطاعت از خداست و سرپیچی از من سرپیچی از خداست، و هرکس که حاکم را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده و هر کس که از او سرپیچی کند، از من سرپیچی کرده است» سند دیگری است که بر اساس آن، این گروه از سلفیان اطاعت از «حاکم» را واجب دانسته‌اند.

در مجله سلفی «الاصلاح» نیز، که در الجزایر منتشر می‌شود، شیخ محمدعلی فرکوس (متولد ۱۳۷۴ق) استاد دانشکده علوم اسلامی دانشگاه الجزایر، که فتاوی ضد شیعی او در میان سلفیه شمال آفریقا معروف است، در فتاوایی چنین نوشته است: «تظاهرات و راهپیمایی و

اعتصاب و تحصن نه از اعمال مسلمانان است و نه از وسایل امر به معروف و نهی از منکر به حساب می‌آید و نه اصولاً از دین اسلام است که شریعت آن را خداوند برای بندگان مقرر فرموده است، بلکه تظاهرات و اعمالی از این دست غالباً موجب فتنه و مفساد و زیان مانند ریختن خون و تخریب و هدر رفتن سرمایه‌ها و تعطیلی کارها و گسترش هرج و مرج و اختلاط زن و مرد و دیگر امور شر و فاسدی می‌شوند که فطرت سلیم از آن روی گردان است و اسلام از آن نهی کرده است».

فرکوس این دیدگاه را از فتاوی ابن تیمیه برداشت کرده و توضیحی در این زمینه نداده است که پس اگر تظاهرات و اعتصاب و تحصن اموری غیرشرعی و حرام‌اند، چه وضعی در جهان عرب موجب شده است میلیون‌ها مسلمان راهی جز توسل به آن برای کسب حقوق اولیه خود نداشته باشند؟ ضمن آنکه باید به رفتار دوگانه سلفی‌ها در قبال بحرین، یمن و سوریه توجه کرد که چرا در یکی تظاهرات حلال است و در دیگری حرام؟ اینجاست که چندملیتی بودن شاگردان مدارس دینی سلفیه عربستان، نفوذ سیاسی عربستان سعودی و نیز دشمنی با شیعه که آن را دینی جدا از اسلام می‌پندارند، هر یک متغیرهایی مهم در تحلیل رفتارها به شمار می‌آیند که باید در مطالعات جدی مربوط به آینده جهان اسلام لحاظ شوند.

این‌چنین سلفیه سنتی، موجبات حفظ رژیم‌های مستبد حاکم بر کشورهای اسلامی را فراهم کرده است. آثار ابن تیمیه و ابن قیم جوزیه یکی از منابع مهم سلفی‌ها در زمینه مشروعیت نداشتن قیام علیه حاکمان ظالم است. ابن تیمیه معتقد است: «شصت سال زندگی در سایه حکومت امامی جائز بهتر است از به سر بردن شبی بدون سلطان» (اشاره او به از میان رفتن امنیت است) و ابن قیم جوزیه نیز نوشته است: «ظلم نمی‌تواند دلیلی برای قیام بر ضد حاکم باشد؛ مادامی که حاکم مردم را به مخالفت با دین فرا نخوانده باشد». دکتر یوسف زیدان با نقل این سخنان نوشته است: «مشارکت نکردن سلفیه در مراحل اولیه قیام مردم مصر بیشتر به دلیل ترس از فروپاشی نظام و تأکید بر مبادی شرعی و سیاسی ابن تیمیه بود. به همین دلیل حضور پیروان سلفی در قیام علیه نظام مستبد حسنی مبارک با عنوان سلفی و در قالب جماعتی سلفی مشاهده نشد، اما آنها پس از سقوط حسنی مبارک از قدرت، به دنبال سهم‌خواهی از قیام مردمی برآمدند. جالب‌تر آن است که زیدان نوشته است: اگر «علی عبدالله صالح و امثال او بر این مبادی شرعی (مبنی بر مشروعیت نداشتن قیام) آگاهی یابند بلافاصله آن را علیه انقلابیون کشورشان به کار می‌گیرند».

حتی آنگاه که علمای سلفی حاکمی را تکفیر کردند، باز هم قیام علیه ظلم و ستم او را مجاز نشمردند. مثال بارز آن تکفیر معمر قذافی (۱۹۴۲-۲۰۱۱م) در فتاوی علمای عربستان (در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ق) است که به دلیل انکار معتقدات اسلامی از سوی او انجام گردید و البته با تکفیرش به مظالم او هم اشاره‌ای شد: «مجلس هیئت کبار علما ... با تأکید چنین مقرر داشت که قذافی با توجه به انکار سنت رسول خدا و به سخره گرفتن حج و توهین به برخی از تعالیم اسلامی و گرایش‌های گناه‌آلود و باطلش کافر، گمراه و هم‌گمراه‌کننده است. علاوه بر ظلم و طغیان او و ارتکاب جرایم و هتک حرمت بندگان خدا ...».

اما باین‌حال این دسته از علما متعرض حکومت او نشدند. چنان‌که در اثنای قیام مردم لیبی بر ضد نظام قذافی، در طلب فتوایی از شیخ عبدالله الموصلی، از دشمنان سرسخت شیعه، [5] خواسته شده است تا سریعاً «درباره وظیفه سلفی‌ها» درباره خروج «اصحاب اندیشه غربی» بر قذافی فتوا صادر شود (توجه شود که پرسش پیش‌فرض خود را در دفاع از نظام قذافی گذاشته است)

ای شیخ از شما می‌خواهیم بدون فوت‌وقت به پرسش ما پاسخ دهید چه آنکه خود می‌دانید که

اکنون در لیبی به دست خوارج اصحاب اندیشه غربی چه می‌گذرد. ای شیخ! ما سلفی‌ها چه کنیم آیا از نظام دفاع کنیم و مردم را به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و سلم تنبه دهیم و یا آنکه دست دعا برداریم و به دلیل ترس از فتنه در خانه بمانیم؟ به طور مشخص بفرمایید چه کنیم؟

موصلی در پاسخ، به مشارکت نکردن در قیام علیه قذافی فتوا داد: «پاسخ در پیروی از فرموده رسول الله صلی الله علیه و آله است که فرمودند: پیش از قیامت فتنه‌هایی رخ می‌دهند که همچون پاره‌ای از شب ظلمانی‌اند (حقیقت در آن آشکار نیست). در آن روزگار کسانی هستند که صبح مسلمان بودند؛ اما به وقت شام کافر شدند و یا شام مسلمان بودند، اما به وقت صبح کافر شدند. هر که از این فتنه کناره‌گیری کند از آنکه میل بدان دارد بهتر است و هر که میل به آن دارد از آنکه در آن فتنه‌ها وارد شود بهتر است. پس به حضرت عرض کردند چه امر می‌فرمایید: حضرت فرمودند: 'گلیم‌های خانه‌های خود باشید'.

حتی مشایخ سلفیه برائت از مشرکین را با عنوان بدعت دانستن تظاهرات زیر سؤال برده‌اند. برای نمونه مقبل بن هادی الوادعی که نمی‌توانست به شکل صریح شعارهای تظاهرکنندگان مراسم برائت از مشرکین چون شعار «مرگ بر امریکا»، «مرگ بر شوروی»، «مرگ بر اسرائیل» و «نه شرقی و نه غربی» را رد کند، گستاخانه در کتاب «الاحاد الخمينی فی الارض الحرمین» با پیش کشیدن آنچه «نیت خبیث شیعیان» می‌نامد، به‌طور عام هرگونه تظاهراتی را چه از سوی شیعه یا اهل سنت زیر سؤال برده و نوشته است: «باید دانست که این تظاهرات، عملی اسلامی نیست و به ما چیزی از نبی صلی الله علیه و آله و سلم نرسیده است که جماعتی در حالی که شعاری واحد دهند بیرون بیایند. و این چیزی نیست جز تقلید از دشمنان اسلام و تشبه به آنان، که رسول صلی الله علیه و آله و سلم در وصفشان فرموده است: کسی که خود را شبیه قومی درآورد از آنان است».

همچنین می‌توان به آثار شیخ علی الحلبي، از شاگردان شیخ ناصرالدین آل‌بانی در اردن، اشاره کرد که در کتاب «الدعوة السلفیه الهادیه و موقفها من الفتن العصریه الجاریه» - که آن را در ۱۱ جمادی‌الاولی سال ۱۴۳۲ق (طلیعه قیام‌های مردمی در جهان عرب) منتشر کرد - با استفاده از دیدگاه‌های آل‌بانی درباره حرمت تظاهرات، و اینکه تظاهرات پدیده‌ای در اصل اروپایی است و «وسیله‌ای شرعی برای اصلاح حکومت نیست» [6] نوشته است: «تظاهراتی که در برخی از کشورهای اسلامی به راه افتاده است در اصل خروج از طریق مسلمانان و تشبه به کافران است. و رب‌العالمین فرموده است: و من یشاقق الرسول من بعد ما تبیین له الهدی و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولى و نصله جهنم و سائت مصیراً؛ و هر که پس از آنکه راه هدایت بر او روشن شد با فرستاده ما مخالفت و دشمنی نماید و پیروی از راهی غیر راه مؤمنین کند، او را به آن‌سو که رو کرده بگردانیم و در جهنم وارد کنیم و حرارتش را به او بچشانیم و آن بد جای بازگشتی است. (نساء/۱۱۵)».

و این‌چنین علمای سلفی اردن نیز مردم را از تظاهرات علیه ملک عبدالله منع کردند و می‌کنند؛ زیرا تظاهرات از دید آنها عملی غربی است و مسلمان با تشبه به کفار، یکی از آنها می‌شوند. علمای سلفی یمن نیز در حمایت از موضع عربستان قیام مردم یمن علیه نظام علی عبدالله صالح را «فتنه» خوانده‌اند.

در اینجا موضوعات ظریف دیگری نیز هستند که توجه محققان را به خود جلب کرده‌اند؛ برای مثال شیخ محمد بن عبدالله الامام (متولد ۱۳۸۹ق) یکی از علمای یمنی و شاگردان الوادعی، که شیعه را تکفیر کرده و در فتاوی خود در پایگاه رسمی‌اش در اینترنت، قیام مردم مسلمان یمن بر ضد ظلم و جور علی عبدالله صالح را فتنه نامیده است، خود در رساله‌ای فقهی با عنوان

«البرهان علی تحریم التناکح بین الإنس والجان»، که آن را برای استفادة عموم مسلمانان! در پایگاه اینترنتی‌اش گذاشته، نوشته است: بسیاری از مسلمانان فریب ازدواج با جنیان را خورده‌اند و بی‌توجه به ضررهای این ازدواج با آنها تشکیل زندگی می‌دهند که به دنبال آن پیامدهایی مانند تربیت فرزندان حاصله از این ازدواج را به دنبال خواهد داشت. به باور او این مسئله تنها یک مسئله فرعی فقهی نیست و به اعتقادات و اصول دین مربوط می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که آنها مهم‌ترین مسائل جهان اسلام را به دست فراموشی سپرده و سرگرم مباحثی انحرافی شده‌اند که هیچ‌گاه مشکل جهان اسلام نبوده‌اند.

اشکال گوناگون فعالیت با تأکید بر مصر

اشتغال اصلی شیوخ سلفی اغلب تعلیم دینی و پژوهش دربارهٔ احادیث نبوی بوده است. به باور آنها «اگر صحیح بخاری از امت رخت بریندد، امت به تمامی فروخواهد ریخت» (الحوینی، ۲۰۰۹/۱/۱۷). این شیوخ از ورود به عرصهٔ سیاست خودداری کرده و می‌کنند. همچنین مقر اصلی فعالیت‌های مشایخ سلفی مسجد است؛ برای مثال می‌توان به مسجد «العزیز بالله» در خیابان عزیز بالله (محله زیتون) اشاره کرد که از مراکز اصلی فعالیت سلفی‌ها در مصر است و دارای پایگاه اینترنتی است.

بزرگ‌ترین تجمعات سلفی‌ها در شهر قاهره در این مسجد قدیمی است. پایه‌گذار تعلیمات سلفی در آن، فردی به نام «محمد جمیل غازی» (۱۹۳۶-۱۹۸۸م) در سال ۱۹۶۸م بود. فعالیت‌های شیوخ سلفی مانند محمد حسان (متولد ۱۹۶۲م)، محمود المصری، و مسعد أنور در این مسجد انجام می‌شود.

اسکندریه نیز یکی دیگر از مراکز مهم سلفی‌ها در مصر است که سلفی‌ها در مساجد آن بسیار فعال هستند. برای مثال در سال ۲۰۱۱م، شیخ محمد اسماعیل مقدم در مساجد أبوحنیفه و الفتح الإسلامی، شیخ احمد فرید در مسجد الامام مسلم، شیخ محمد حسان در مسجد مجمع التوحید، شیخ سعید عبدالعظیم در مساجد ابن کثیر و الفتح الاسلامی، شیخ یاسر برهامی در مساجد الخلفا الراشدین و التقوی و شیخ احمد حطیبه در مسجد نورالاسلام دروس و سخنرانی‌های خود را ایراد می‌کردند. افراد یادشده دارای آثاری در دشمنی با شیعه هستند. محمد اسماعیل مقدم در «مسجد أبی حنیفه النعمان» اسکندریه مجموعه دروسی را با عنوان «سلسله اصول مذهب الشیعه» تدریس کرده است. در همین زمینه فیلم‌های سخنرانی و مصاحبه او در دشمنی با تشیع در اینترنت فراوان است. شیخ احمد فرید کتاب «الفوائد البدیعه فی فضائل الصحابه و ذم الشیعه» را نوشته و مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های او در اینترنت در این زمینه موجود است. از محمد حسان نیز مجموعه‌هایی در دشمنی با مذهب شیعه با عناوین متفاوتی مانند «مجموعه هامه للشیخ محمد حسان فی الرد علی الشیعه» و «الشیعه و السنه» موجود است. سعید عبدالعظیم نیز دارای آثاری قلمی و نیز دیداری و شنیداری دربارهٔ شیعه است. از آن جمله می‌توان به «ماذا تعرف عن الشیعه» و «خطر الشیعه» اشاره کرد. یاسر برهامی هم مجموعه مباحث فراوانی دربارهٔ شیعه دارد که به صورت ویدئویی منتشر شده است که از عناوین آنها می‌توان به «حکم تکفیر الشیعه»، «الشیعه و شبهاتهم الواهیه» اشاره کرد. همچنین مسجد ابن تیمیه در شهر «کفر الشیخ» که اصولاً بافتی سلفی دارد، محل فعالیت أبو إسحاق الحوینی است که دروس خود را در آن برگزار می‌کند. بسیاری از آثار منتشرشده از او که به زعم خود می‌پندارد در آنها حقیقت شیعه، ایران و حزب الله لبنان را افشا می‌کند، حاصل همان جلسات درسی است. تأکید بر آثار ضد شیعی آنان از آن جهت است که به خوبی موضع این عده را در قبال قیام شیعیان بحرین مشخص می‌کند.

مساجد ابوحنیفه و الفتح الاسلامی در اسکندریه، پس از قیام مردم مصر (۲۰۱۱م) مقر سیاسی سلفی‌ها بودند.

سلفی‌ها به موازات فعالیت در مساجد، در فعالیت‌های رسانه‌ای هم شرکت کرده‌اند. رسانه‌ها پیش‌تر به چاپخانه‌ها و انتشار آثار مکتوب اعم از کتاب و مجله منحصر بود؛ برای مثال در دوران معاصر در مصر، می‌توان به چاپخانه و مجله «المنار» از شیخ رشید رضا (۱۲۸۲-۱۳۵۴ق) و چاپخانه «السلفیه» از محب‌الدین الخطیب (۱۳۰۳-۱۳۸۹ق) که سهم مهمی در زنده کردن میراث سلفیه در مصر داشت و مجلاتی چون «الزهرا» و «الفتح» را منتشر کرد، و نیز چاپخانه «السنه المحمدیه» از شیخ محمد حامد الفقی اشاره کرد که از بزرگان سلفیه در مصر بود و تأثیر بسزایی در اشاعه آموزه‌های سلفیه داشت. مجله «التوحید» وابسته به گروه «انصار السنه المحمدیه» همچنان منتشر می‌شود. جماعت انصار محمدیه را شیوخی چون محمد حامد الفقی، عبدالرزاق عفیفی، عبدالرحمن الوکیل، محمد علی عبدالرحیم پایه‌گذاری کردند و در آن به اشاعه اندیشه سلفی‌گری بر منهج محمد بن عبدالوهاب دست زدند و شیعه را تکفیر کردند.

مهم‌ترین کارکرد این مطبوعات در درجه اول انتشار آثار بزرگان سلفیه از قبیل ابن‌تیمیه و ابن‌قیم الجوزیه بود. در مرحله بعد نقد سخنان مخالفان سلفیه و همچنین نقد شیعه در دستور کار قرار گرفته است.

اما امروز شیوخ سلفی اقبال بسیاری به استفاده از ابزار نوین ارتباطات مانند اینترنت و ماهواره نشان می‌دهند. افزون بر فعالیت‌های وسیع تبلیغ سلفیه در اینترنت، شیوخ سلفی مصر عملاً به اداره شبکه‌های ماهواره‌ای روی آورده‌اند؛ برای مثال می‌توان به محمد حسین یعقوب، محمد حسان، أبوإسحاق الحوينی و الشیخ محمود المصری اشاره کرد که «قناه الناس» و «قناه الحکمه» را سرپرستی می‌کنند. همگی افراد یادشده از دشمنان شیعه‌اند. در این شبکه‌ها مجموعه بزرگ‌تری از روحانیان سلفی در قالب برنامه‌های گوناگون به کار گرفته می‌شوند که بخشی از کارکرد آنها دشمنی و تعارض با شیعه است. برنامه‌های این شبکه‌ها سپس از طریق فضای مجازی در یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی در سطح وسیعی از لینک‌های دیگر سایت‌ها و وبلاگ‌ها توزیع می‌شود.

یکی از موضوعاتی که مطالعه آن از جنبه راهبردی برای محققان کشور اهمیت دارد، بی‌احترامی شیخ الحوینی به شیخ علی جمعه، مفتی بزرگ مصر و از معتقدان به تقریب مذاهب اسلامی، بود که او را در شبکه «الحکمه» به صورت علنی سب کرد و تعارضات جدی میان صوفیه و سلفیه و نیز اهالی تقریب میان مذاهب شیعه و اهل سنت را بار دیگر نمایان ساخت. افزون بر آن فعالیت‌های شدید هواداران الحوینی در اسکندریه به منظور ممانعت از احضار الحوینی به دادگاه بر اثر شکایت شیخ علی جمعه، ظرفیت‌های مطالعاتی درباره توازن نیروهای مذهبی و اجتماعی در مصر را نشان می‌دهد که باید به طور جدی به آن توجه شود. در اینجا بیان این نکته ضروری است که به منظور شناخت اندیشه معاصر عربی - اسلامی باید پیش از آنکه به تعارضات آنها با ما توجه شود، تعارضات درونی آنها مدنظر قرار گیرد و پیش از آنکه دوستی‌های آنها با خویشان دیده شود، منطق دوستی‌های درونی آنها لحاظ گردد. در اینجا منبع‌شناسی کمک شایانی به ما می‌کند. در گذشته فعالیت‌های اشخاصی چون مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی یا سید مرتضی رضوی کشمیری به خوبی از خلال منبع‌شناسی، تعارض درونی سلفیه (وهابیت) با اهل سنت را نشان داده‌اند، اما این گونه مطالعات باید توسعه یابد.

موضوع احزاب

علمای سلفی سنتی عموماً پیروانشان را از تحزب نهی کرده‌اند و بر این شعار که سلفیه یک مذهب یا حزب نیست همواره تأکید نموده‌اند. این موضوع به‌ویژه در تعارضات آنها با حرکت اخوان المسلمین و برحذر داشتن مسلمانان از پیوستن به آنان مطرح شده است، چنان‌که محمد بن عبدالله الإمام عالم سلفی یمنی در کتاب «البیان: الايضاح ما علیه جامعه الايمان» بیان کرده است، این بدان معنا نیست که سلفیه جریانی یکدست و هماهنگ با هم باشند. در تحلیل‌های مجله سلفی «الفرقان» نداشتن جبهه یکدست و واحدی که به اجماع، سخنگوی سلفیه باشد و گفتمانی واحد را ایجاد کند، از چالش‌های فراروی فعالیت سیاسی سلفیه در مصر است؛ برای مثال، اسحاق الحوينی که یکی از سران سلفیه مصر است، در پاسخ به پرسشی درباره تعداد جماعت‌های اسلامی در مصر گفته است: «در حقیقت من نگاه مثبتی به این جماعت‌ها ندارم، بلکه آنها را از هر جهت منفی می‌بینم. این جماعت‌ها هر یک نسبت به خودشان تعصب دارند و پیروان خود را از دیگر جماعت‌ها برحذر می‌دارند. (مطابق این دیدگاه که) کسی که با ما نیست، پس علیه ماست. این واقعیت جاری در مصر است. حتی جماعت تبلیغ که گمان می‌کردیم در این گونه دسته‌بندی‌ها وارد نمی‌شود، معلوم شد از متعصب‌ترین جماعت‌ها در مصر است. تا جایی که پیروان آن، دختر به غیر جماعت خود نمی‌دهند».

با این حال پس از قیام مردم مصر سلفیه در پی تحزب برای سهم‌خواهی از نتایج قیام بر آمده‌اند که اقدامی هماهنگ با گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای سلفی است؛ برای مثال می‌توان به احزاب سلفی فضیلت، اصالت (که با جدایی برخی سلفی‌ها از حزب فضیلت تأسیس شد)، نور، و ... اصلاح اشاره کرد.

چنان‌که گفته شد، سلفی‌های معاصر عموماً با واسطه یا بی‌واسطه، شاگردان بن‌باز یا آلبانی هستند و مرجعیت دینی خود را عمدتاً با تأیید علمای سعودی گرفته‌اند. بنابراین چه در خصوص یمن، سوریه و بحرین و چه در مورد مصر و لیبی دغدغه اصلی امنیت و ثبات عربستان سعودی است. تدارکات وسیع آنها برای تأثیرگذاری بر انتخابات پس از حسنی مبارک احتمال قرار گرفتن عربستان سعودی در ورای تحزب آنان را بیشتر کرده است.

همچنین باید توجه کرد که یکی از اهداف سلفی‌ها در اختیار گرفتن مرجعیت دینی الازهر است که می‌تواند میدان عمل آنها در جهان اسلام را گسترش دهد. این موضوع از خلال بررسی عملکرد «هیئه الشرعیه للحقوق و الإصلاح» بهتر مشخص می‌شود که در سیطره علمای سلفی از قبیل شیخ علی احمد السالوس، شیخ محمد حسان، دکتر محمد یسری ابراهیم، شیخ أبو الأشبال الزهیری و دیگران است، از انتقادات دکتر نصر فرید واصل (۱۹۳۷م)، مفتی سابق الازهر و رئیس وقت هیئت، از خروج هیئت از اهداف اولیه‌اش، و متعاقب آن بیانیه الازهر مشخص شد که هدف سلفی‌ها از تأسیس این هیئت در اختیار گرفتن مرجعیت اسلامی الازهر است. الازهر به صراحت اعلام کرد که هیچ سازمانی، حتی اگر اعضای الازهر نیز عضو آن باشند، حق استفاده از عنوان الازهر را ندارد.

سازمان سلفی دیگر در مصر «مجلس إدارة الدعوة السلفیه» در اسکندریه مصر است که مجموعه‌ای از شیوخ سلفی را گردهم جمع کرده و فعالیت آن پس از قیام مردم مصر بر ضد رژیم حسنی مبارک بیشتر شده است. به نظر می‌رسد بسته به موفقیت آنها در جذب نیروهای اجتماعی و فرهنگی مصر، قدرت و توان عربستان سعودی برای مداخله در آن کشور افزایش می‌یابد و به همان میزان توان تقریب مذاهب اسلامی کاسته می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

[1] معمولاً مخالفان وهابیت به پیروان محمد بن عبدالوهاب «وهابی» می‌گویند که از نام پدر مؤسس این فرقه (شیخ محمد) گرفته شده است.

- [2] از او که مؤسس جماعت انصار سنت محمدی بود، فایل‌هایی صوتی در اینترنت با عنوان «الشیعه و السبئیة» در مخالفت با تشیع منتشر شده است.
- [3] برای مثال در صحیح بخاری (در باب صفت شیطان و لشکریانش) در روایتی آمده است: «رسول اکرم به مدت شش روز به وسیله فردی یهودی سحر شده بود و اعمالشان به ارادة شریفشان نبود».
- [4] استاد تفسیر و علوم قرآن دانشکده اصول دین دانشگاه الازهر شعبه اسیوط که پس از اقامت در امریکا به اتهام مشارکت در انفجارهای سال ۱۹۹۳ م نیویورک دستگیر و به حبس ابد محکوم شد.
- [5] عنوان کتاب معروف او علیه شیعه و جریان تقریب مذاهب اسلامی «حقیقه الشیعه حتی لا ننخدع»، معرف نگاه سلفی‌ها به شیعه به منزله دینی جز اسلام است.
- [6] در انقلاب‌های جهان عرب در تونس، مصر، لیبی، بحرین و یمن، که دامنه آن به کشور اردن نیز رسید، علمای سلفی اغلب آن را فتنه خواندند. مراد آنها از استعمال این واژه اشاره به روایت امام احمد بن حنبل است که در «طبقات حنابله» (۲۷/۱) آمده است.